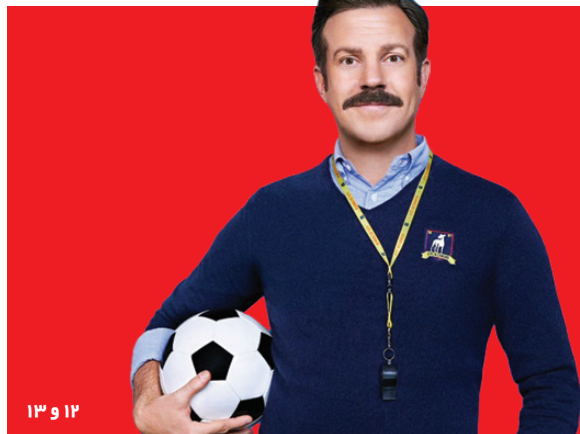


کارمندان ۵ برابر سهم مسکن مالیات می دهند

در ۴ دهه اخیر سهم بخش مسکن از کل درآمد مالیاتی کشور یک سوم شده است

صفحه ۸



۱۳ و ۱۲

مربی! دوره‌ات تموم نشده

سریال «تدلاسو» که مخاطبان زیادی در جهان جذب کرده اهمیت اثر هنری قصه‌گورانشان می‌دهد



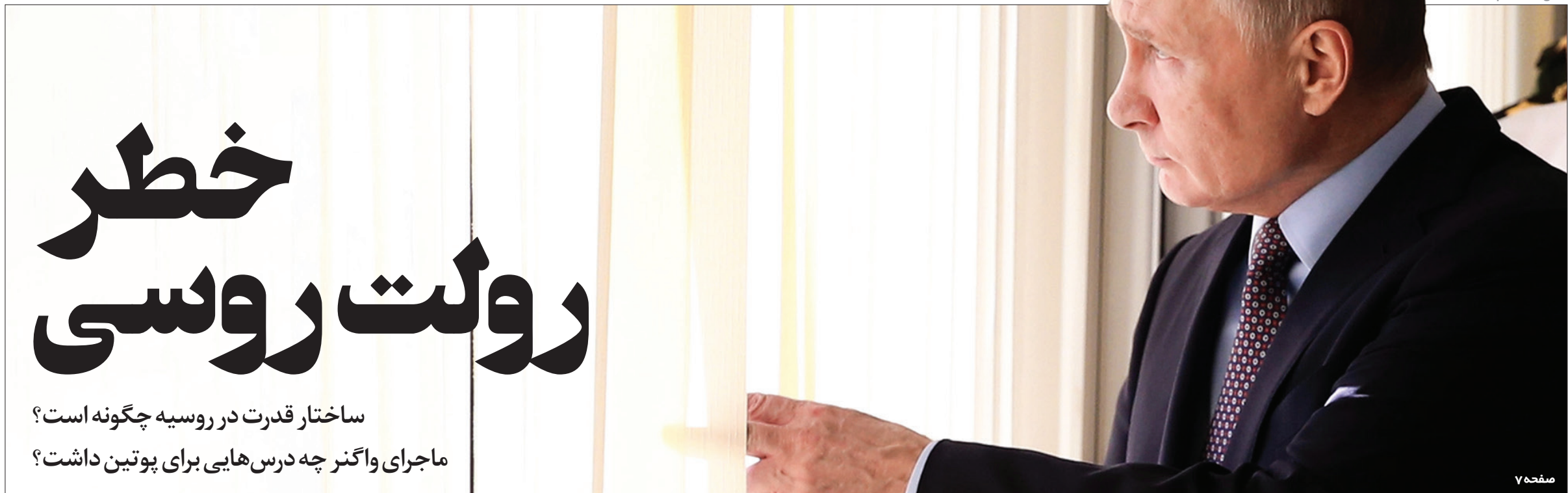
روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید را ببینید و مضمون:
روایت‌های جنگ

شماره مسلسل ۲۶۲۶
مخمسفیه ۶ تیر ۱۴۰۲
۸۰۰ نسخه ۱۴۴۴
۲۲۰ زون ۲۰۲۳
شماره ۳۸۱۸

No. 3898 | 16 Pages



صفحه ۷

خطر رولت روسی

ساختار قدرت در روسیه چگونه است؟
ماجرای واگنر چه درس‌هایی برای پوتین داشت؟

وقتی در سیاست گذاری از کف خیابان هم عقب‌تریم

عقب‌ماندگی واقعی از هوش مصنوعی

۱۶

«فرهیختگان» از حضور دانشگاه آزاد در نمایشگاه ال‌کامپ گزارش می‌دهد

فناوران دانشگاه آزاد در کنار برترین‌های ایران

۸، ۶

یادداشت تحلیلی از عباسعلی کدخدایی

نظام انتخاباتی ناکارآمد و فویبای اصلاح قانون انتخابات

۱

یادداشت - ۳

یادمان شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی

توافق بر حداقل اشتراکات برای حداکثر همکاری‌ها و همدلی‌ها

شهید مظلوم، آیت‌الله دکتر بهشتی از شخصیت‌های بزرگ فکری و سیاسی تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود که می‌توان ایشان را یکی از برجسته‌ترین معماران بزرگ تجدیدبنای تفکر انقلابی و تشکیلاتی انقلاب اسلامی ایران دانست.

ایشان بر این اصل اعتقاد داشت که مردم در جامعه صاحب حق هستند و بدون حضور آنان در امور سیاسی، هویت دینی و مشروعیت دولت تأمین نمی‌شود، همچنین به نقش مردم در حکومت باور کامل داشت و به پیشرفت جامعه به شرط همکاری و حضور مردم معتقد بود و می‌دانست معادله قدرت سیاسی در جامعه دو طرفه دارد؛ حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان. به محض آنکه حکومت‌کنندگان درصد اعمال اراده خود بر حکومت‌شوندگان برآیند، مسأله «مشروعیت» یا مجوز اعمال قدرت مطرح می‌شود. جایگاه مردم در کارآمدی حکومت از منظر اندیشه‌های سیاسی شهید بهشتی بسیار حائز اهمیت است. مردم‌سالاری تکاملی در اندیشه و آرای ایشان لازم‌الذات ارتباط مردم و دستگاه‌های دولتی مبتنی بر اعتماد متقابل باشد. راهکارهای کسب اعتماد متقابل و جلب همکاری مردم در نظام مردم‌سالاری مورد نظر شهید بهشتی عبارتند از: بی‌تفاوت نبودن مسئولان نسبت به مردم، زندگی مردمی و بی‌آلایش مسئولان دستگاه‌های حکومتی و کارگزاران، برپیزش از الفبای قدرت در مواجهه با مردم، اطلاع‌رسانی مناسب مردم از طریق راهکارهایی نظیر تعیین قوانین برای مردم و استفاده از دیدگاه‌های مردم و صاحب‌نظران. شهید بهشتی مردم را نه تنها نیرویی عظیم و شکل‌دهنده مسائل جامعه می‌دانست، بلکه آنها را ناقد و مصحح حکومت می‌دید و این نقش مردمی را بسیار جدی می‌گرفت، یعنی حضور مردم را فقط در عرصه حرکت درآوردن جریان‌ها و ساختن سازندگی‌ها اساسی می‌شمرد، بلکه آنها را ناظران دقیق، ناقدان و مصححان می‌دید که از طریق ابزارهای قانونی و نیز در عرصه اجتماعی باید نظرشان را بیان کنند و از برزایی درستی از امور داشته باشند تا مسیر هم نشود و وارد باتلاق‌های محدودیت‌های فردی، خواسته‌ها و مصلحت‌های فردی گردانندگان یا مجموعه‌هایی نشویم که داخل این حکومت هستند و فعالیت می‌کنند. ایشان یکی از کسانی بود که عمیقاً و مباینی به نقش مردم در حکومت و سیاست اعتقاد داشت. به این دیدگاه وی توجه کنید: «من معتقدم که هیچ چیز به جز حضور فعال و آگاه مردم نمی‌تواند سالم‌سازی کند و موقعیت مردم را. پیغمبر خدا هم اگر در مرتبه مدیریت باشد و آن طرف مردم نباشند، درست نمی‌شود. «بنیاد تفکر شهید بهشتی این است که مردم صاحب حق و حکومتند. بدون حضور آنها نه هویت دینی جامعه تضمین و نه اقتدار حکومت تأمین می‌شود. از نظر ایشان «دولت است که بازوی ملت است» نه ملت بازوی دولت؛ «ما باید تنها به نیروی لایزال ملت و امکانات فراوان خداداد و گنجینه‌های ارزش‌سرمین‌مان تکیه کنیم، از نظر ایشان ملت باید مواظب انقلاب باشد، باید مسئولان را خود برگزینند و باید بر اعمال و عملکرد آنان نظارت کند. «ملت قهرمان ما یک وظیفه دارد و آن اینکه با وجدان بیدار و آگاه مراقبت کند هر یک از نهاد‌های رهبری، رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر و وزرا، مجلس و شورای عالی قضایی در چهارچوب همان وظایفی عمل کنند که در قانون اساسی آمده است... شما ملت قهرمان باید از مسئولان بخواهید طبق قانون اساسی عمل کنند و این پنج نهاد پشت و پناه بگردید باشد.» شهید بهشتی فردی مردم‌گرا بود که همواره بر نقش مردم در انقلاب اسلامی و همچنین سهم آنان در حکومت تأکید داشت و معتقد بود حکومتی مشروعیت دارد که نقش مردم در آن پررنگ باشد. ایشان در گسترش نقش مردم تأثیر بسزایی داشت. امروز هم افکار و هم رفتار شهید بهشتی می‌تواند الگوی خوبی برای حکمرانی نوین باشد. در دهه پنجم انقلاب اسلامی توجه به افکار و اندیشه‌های دکتر بهشتی به‌خصوص تأکیدشان روی توافق بر حداقل اشتراکات برای حداکثر همکاری‌ها و همدلی‌ها، می‌تواند مدل بسیار خوبی برای اصلاح حکمرانی و افزایش کارآمدی نظام سیاسی باشد. نظام‌سازی و بحث تحزب یا تشکیلات از مهم‌ترین محورهای هستند که به اعتقاد دکتر بهشتی می‌تواند مسائل جامعه را برطرف کند. همچنین رویکرد ایشان در میانه رویکرد سنت گرایانه و تجددگرایانه قرار می‌گیرد و آنچه امروز می‌تواند به مسأله افزایش کارآمدی نظام سیاسی پاسخ دهد، توجه به همین رویکرد میانی است. او در بحث حکمرانی از خصلت انتزاعی فاصله می‌گیرد و بیشتر به واقعیت‌های جامعه متوجه می‌شود. برخلاف ایشان به‌منظر می‌رسد متفکران حال حاضر ما بیشتر در مباحث نظری گیر افتاده‌اند و کم‌پیش می‌آید این نظریات به متن جامعه یا حکمرانی ما راه پیدا کرده باشد.

احسان عسکری
مشاور رئیس مجلس

یادداشت - ۲

زامبی‌سازی منتقدان؛ از روحانی تا یک گروه لطیف

رئیس‌جمهور سابق از یک تکنیک روانی آشنا در مواجهه با منتقدان استفاده می‌کرد که در نوع خودش قابل تأمل بود؛ تکنیک زامبی‌سازی از منتقدان و بعد فحش دادن به آنها، مثلاً می‌گفت کسانی که دوست دارند ایران تحریم باشد باید به فلان جا بروند

محمد زعیمازاده
چانشین سر دبیر

با کسانی که می‌خواهند در پیاده‌روها خیابان یک‌سند زامبی‌اند... گزاره‌هایی که ضمیرش هیچ مرجع واقعی‌ای نداشت، فقط عالی‌جناب دوست داشت صفاتی را به منتقدانش بچسباند و آنها را بنوازد. احتمالاً زامبی‌سازی قبلیش هم برای راحت کردن خیال و خلاصی از عذاب وجدان بوده است. حالا دوسالی می‌شود که حسن روحانی در قدرت نیست اما ظاهراً این عادات او زیر زبان برخی اهالی قدرت حساسی مژه زده است. خیلی راه دور نروید، نمونه متاخر ماجرای لشکر ابرهه خواندن منتقدان مدیریت صداوسیما را می‌گوییم؛ فحشی که با اتهام اخذ پول کثیف تکمیل شد. حالا کلیدوازه زامبی‌سازی جدید چیست؟ مخالفت با قانون، کدام قانون؟ نظارت بر شبکه نمایش خانگی؟ اما آیا واقعاً منتقدان با قانون مشکل دارند یا این یک آدرس غلط برای پروژه زامبی‌سازی است؟ کسی هست که با قانون مشکل داشته باشد؟ اصل وجود پروتکل برای نظارت بر یک محصول فرهنگی اصل بدیهی است که حتی در لیبرال‌ترین کشورها هم انجام می‌شود. بعید است کسی با قانون نگرانی داشته باشد که کارگزار و سیاست‌ها و روند‌های رسانه ملی باشد. اما آیا رسانه ملی ما در چنین وضعی قرار می‌گیرد؟ به همین مثال ابرهه برگردیم که خودش یک مطالعه موردی خوب است، که نویسنده غوغا کرده است و بحر را در کوزه‌ای گنجانده و همه‌وچو نه‌گاه به منتقدان داد که یک کلمه آورده. فرض کنیم اصلاً عده‌ای در سطوح مختلف استدلالی از ایده تا اجرا منتقدان این تصمیم هستند، راه مواجهه با آنها چیست؟ چه استدلالی می‌توان بخر برای آنها ارائه کرد؟ تلویزیون چه استدلالی ارائه کرده است؟ احتمالاً هرچه در رسانه‌ها بگردید غیر از این دو نکته چیزی پیدا نمی‌کنید؛ این قانون است و هر کس با این تصمیم مخالف است پول گرفته و جزء لشکر ابرهه است و می‌خواهد خانه خدا را خراب کند. زهی خیال باطل که ما رسانه‌های حامی صداوسیما بگذاریم، بزودی آنها را سنگ‌باران خواهیم کرد. نتیجه چنین استدلالی چه شده است؟ بسیاری از فعالان فرهنگی حتی فعالان حزب‌اللهی که ممکن بود فقط از جهاتی منتقد این تصمیم باشند، امروز به‌طور جدی نقد می‌کنند و این سوال را دارند که آیا چنین عقلی می‌تواند هم خودش را اداره کند و هم بر رسانه‌های خصوصی که رقیبش هستند نظارت کند؟ آیا می‌تواند در این نظارت تعارض منافع نداشته باشد؟ اجازه بدهید یک مثال فوتبالی بزنم. پرسپولیس امسال قهرمان لیگ شده است، آیا می‌توان مربی پرسپولیس را برکنار کرد و فرزند حسین خانی، مربی تیم مس کرمان را - که تیمش را به لیگ یک فرستاده است - به‌عنوان مربی پرسپولیس منصوب کرد؟ تازه بعد هم به مدیران رسانه‌ای دستور داد که یک پروژه تبلیغاتی درست کنید و بگویید هر کسی که با اصل انتخاب مربی برای پرسپولیس مخالف است از تیم رقیب پول گرفته و می‌خواهد خدا را تخریب کند. چنین فقهی از رسانه‌داری چه بر سر رسانه ملی می‌آورد؟ با این سبک استدلال می‌توان تحول ایجاد کرد یا رسانه را به نقطه نگران‌کننده‌ای می‌رسانیم که حتی نشود آمار مخاطب سریال‌ها و برنامه‌های عمومی‌اش را اعلام کرد؟ خاطرم هست برادر عزیز که در این روزها مسئولیت مهمی در صداوسیما دارد و قبل از مسئولیت منتقد همه دستگاه‌های فرهنگی کشور بود، در تفکیک از روزی ارشاد می‌گفت آقای فلانی حالا شما سیمانی نبودی، اهل موسیقی نبودی، تئاتر را نمی‌شناسی و... روزنامه‌نگار که بودی... زاده‌عرض نیست...

یادداشت - ۱

نظام انتخاباتی ناکارآمد و فویبای اصلاح قانون انتخابات

اصلاحی ولو اندک پدید آید شاید راه بر آینه‌نگار هموارتر شود. اصلاحیه جدید حد اقلی قانون انتخابات در ضمن برخی اصلاحات دیگر یک پیش‌بینی جدیدی را برای اولین بار در نظام انتخاباتی در نظر گرفته که شیوه مرسوم اکثریتی را به تناسبی آن هم فعلاً در تهران تغییر می‌دهد. اقدامی شجاعانه و عاقلانه که می‌توانست در صورت تصویب، بخشی از بی‌عدالتی‌ها را پایان داده و وزن و اعتبار افراد و گروه‌های سیاسی را ملاحظه قرار دهد؛ چرا که به‌جای طرد یک اقلیت ۴۹ درصدی به جذب حداکثری نامزد‌های جریان‌های مختلف می‌انجامید و علاوه بر در نظر گرفتن حداکثری سابق مختلف منجر به مشارکت بیشتر مردم نیز می‌شد. با کمال تأسف به‌همان دلایل پیش‌گفته، گروهی به‌دلایل سیاسی و ترس از عدم‌رای‌آوری (شخصی - گروهی) با این طرح مخالفت کرده و البته برخی سیاسیون نیز با تعابیر نه‌چندان شایسته‌تر از آن یاد کردند.

گروهی نیز که عاقلانه‌تر فکر می‌کردند آن را مغایر عدالت و تبعیض‌آمیز می‌پنداشتند، در حالی که نظام تناسبی با اکثریتی در گام اول نسبت به عدالت و تبعیض خنثی هستند و هر کدام حسب اقتضا در یک جامعه سیاسی می‌تواند انتخاباتی عادلانه یا ناعادلانه را رقم زند. احراز این شرایط جامعه است که عدالت و عدم تبعیض را نسبت به این دو روش رقم می‌زند، شاهد این موضوع نیز اینک هر دو روش در کشورهای مختلف در حال اجراست و الزاماً و به‌خودی‌خود از این روش‌ها عدالت و تبعیض استنباط نمی‌شود. گروه سومی نیز در حوزه اجرا به دلیل فقدان سابقه اجرایی در انتخابات دچار یک فویبای انتخاباتی شده‌اند و از این ترس موهوم حاضر به پذیرش تحول جدید نیستند و البته این ترس همچنان غلبه دارد.

حکایت این گروه همان است که شیخ اجل در حکایت هفتم از باب اول گلستان حکایت کرده است که پادشاهی با غلامی در کشتی بود و غلام دریا ندیده، گریه و زاری آغاز می‌کند و لرزه بر اندامش می‌افتد. چون از ملاطفت آرام‌نگرفت به پیشنهاد حکیمی غلام به دریا افکندند و پس از غوطه‌ور شدن او را به کشتی باز آوردند. چون باز آمد آرام گرفت وقتی ملک حکمت‌راز حکیم سوال نمود پاسخ شنید: چون غلام از اول محنت غرق‌شدن نچسبیده بود ترس بر او غلبه داشت. و این حکایت همچنان صادق است نسبت به آنان که از ترس اجراء از اصلاح قانون انتخابات بازمانده‌اند و البته تا ابد باز خواهند ماند.

باید گفت اصلاح قانون انتخابات در گام اول نیازمند طرحی عادلانه است که فارغ از منافع گروهی و شخصی و بدون در نظر گرفتن دولت و مجلس فعلی بی‌ریزی شود. قانون انتخابات نمی‌تواند وابسته به منافع شخصی من به‌عنوان نماینده یا وزیر یا فلان مقام باشد باید منافع ملی در نظر گرفته شود و در گام دوم شجاعت مدیرانه در اجراء می‌طلبد که فارغ از ایرادات جزئی و تعمل در اجراء و ناآبادیده گرفتن فویبای انتخاباتی قاطعانه در اجراء الگوی جدید برداشت.

و انداز پایانی اینکه اگر در این دوره مجلس این اصلاحات ولو حداقلی به سرانجام نرسد در این نزدیکی‌ها هیچ اصلاحی صورت نخواهد گرفت و بیماری مزمن نظام انتخاباتی روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شود و آب انتخابات همچنان گل آلود باقی خواهد ماند و نارضایتی مردم گسترده‌تر شده و استمرار خواهد داشت.

عباسعلی کدخدایی
عضو حقوق‌دان شورای نگهبان

سال‌هاست که بر ناکارآمدی قانون انتخابات و به‌طور خاص نظام انتخاباتی جامع کشور با لحاظ شرایط سیاسی - اجتماعی تأکید کرده‌ام و به نحای مختلف دولت‌ها و ادوار مختلف مجلس را ترغیب کرده تا شاید قانونی جامع، کارآمد و سازگار با شرایط امروز و در راستای تدابیر چهارگانه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در خصوص امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت در انتخابات تدوین شود و کشور را از این ناهنجاری پدیدآمده به دلیل قانون ناکارآمد، نجات دهد. ناکارآمدی وضعیت انتخابات کشور آن گونه بود که حدود هفت سال قبل (۱۳۹۵/۷/۲۵) با تدابیر مقام‌معمظم‌رهبری (مدظله‌العالی) سیاست‌های کلی انتخابات تدوین و ابلاغ شد؛ بدان امید که شاید در گام اول مجلس پیشقدم شود و قانون جامع و کارآمدی تدوین کند و در گام دوم دولت نیز بتواند با اجرای چنین قانونی اوضاع نابسامان انتخابات را سامان بخشد. اما دریغ از یک طرح یا لایحه جامع که نه مجلس در این راه قدم برداشت و نه دولت؛ اگر چه کارهای حداقلی مانند اصلاحیه فعلی قانون انتخابات انجام پذیرفت که آن هم اما حالی نزار با مخالفت‌های متعدد گروه‌های ذینفع مواجه شده و همچنان در جدال با تعارض منافع است. در هنگامی که نه دولت به فکر بسامان کردن نظام انتخاباتی است و نه در مجلس اراده اکثریت بر آن است تا کار را به انجام برساند، باید این انداز به بالادست‌نشینان تکرار شود که چه‌نشدت‌اید که آب در فرودست گل آلود است و همتی دیگری می‌طلبد تا با چشم‌بستن بر منافع احتمالی و حداقلی شخصی، منسقب‌های یا گروهی، گلیم انتخابات را از گل آب لود بیرون کشیم؛ چرا که فرصت‌ها چون آب در گذرند. اکنون باید فریاد زن که نظام انتخاباتی از بیماری مزمن رنج می‌برد و تا زمانی که معالجه نشود بر وسعت و شدت بیماری اضافه می‌شود. همیشه در فصل انتخابات‌های هوی بسیاری بلند می‌شود که چه‌نشدت‌اید که انتخابات مهندسی شده، شایستگان از ورود به مجلس باز مانده‌اند و نظارت شورای نگهبان چه بر سر ما آورده است! اما آیا یک‌بار سوال شده که برای حل این شبهات چه باید کرد؟ گام اول قطعاً اصلاح قانون است که علی‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی سال‌هاست به تعویق افتاده و هر از گاهی نیز می‌تواند است که فارغ از منافع گروهی و شخصی و بدون در نظر اکنون مجلس فعلی علی‌رغم مخالفت‌های درون و بیرون این نهاد به یک اصلاح حداقلی قانون انتخابات رأی داده که باید گفت هم اقدامی دیر هنگام است و هم تلاشی حداقلی، لیکن باید آن را غنیمت شمرد. شش‌اید این حداقل بتواند دیوار بلند بی‌اعتمادی و ترس موهوم از قانون جدید انتخابات را بشکند. باید دل به دریا زد و حتی اگر لازم شد یک‌بار به قیمت اقدام علیه خود دست از منافع احتمالی شخصی برکشید و اجازه داد روش جدیدی که می‌تواند برخی از اشکالات را مرتفع سازد، تجربه شود. نباید به پنهان‌نمی‌دانم چه خواهد شد، احتمالاً من با گروه من‌رأی نخواهد آورد و مشکلات اجرایی احتمالی با دلیل رفته شدن در رقابت‌های انتخاباتی، سسدر خیر عمومی شویم و اجازه دهیم

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر محسن آقاجانی

مدیرکل محترم اسناد و مدارک دفتر مطالعات و تدوین تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی

خبر درگذشت والده مکرمه‌تان موجب تألم و تأثر شد. اینجناب این ضایعه را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گویم و درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی، مسالت دارم.

عبدالله جاسمی

بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر محمود گلابچی

عضو محترم کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی

درگذشت والده مکرمه جنابعالی را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسالت می‌نمایم.

علی اکبر ولایتی